

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارش ها

گزارشگران پورتال- افغانستان

۱۰/۱۲/۱۱

در افغانستان چه می گذرد؟

(۹۵)

حمله انتحاری در گردیز:

به تاریخ چهار دسمبر یک حمله انتحاری در یکشنبه بازار گردیز رخ داد که در اثر آن دو سرباز خارجی و ۴ تن افراد ملکی جان دادند. این حمله را که به قول ذبیح الله مجاهد یک سرباز اردوی دولت پوشالی به نام داد گل رسول انجام داد، باعث تلفات بسیاری شد که مسوولیت این حمله را طالبان به عهده داشته است. در این حمله چند تن به شمول دوتن از سربازان اردو نیز زخمی شده اند. با اینکه در این وقت ها از اثر حملات اردوی پاکستان و طیاره های بی پیلوت امریکا بر وزیرستان شمالی مقدار حملات انتحاری در افغانستان کم شده است، اما این بار که حمله به وسیله یک سرباز افغان صورت گرفته، بیش از این بی اعتمادی میان خارجی ها و سربازان افغان را به وجود می آورد.

زاخیلوال استعفا داد:

عمر زاخیلوال که یکی از مهره های مهم دولت پوشالی افغانستان و وزیر مالیه می باشد، بعد از آنکه ویکی لیکس سندی را افشاء کرد که در آن عمر زاخیلوال به سفیر امریکا در کابل "ایکانبری" گفته است که کرزی شخص ضعیفی است و بعد از آنکه در یک کنفرانس مطبوعاتی این گفته اش را رد کرد و ویکی لیکس را به کذب و دروغویی متهم نمود اینک گفته می شود که زاخیلوال استعفای خود را به کرزی داده ، اما کرزی آن را نپذیرفته است. زاخیلوال که یک مهره مهم غربی ها در افغانستان است، قبل از اینکه به وزارت مالیه برسد، رئیس دفتر آيسا بود این دفتر که وظیفه جواز دادن به سرمایه گذاری های داخلی و خارجی را دارد، یکی از ادارت مهم زیر نظر امریکاست. بعد از آن زاخیلوال به صفت وزیر مالیه افغانستان مقرر گردید و حال از جمله افراد مهم در کابینه کرزی به حساب می آید .

مهاجران افغان در ایران دستگیر می شوند:

دولت ایران از چندی به این سو برنامه دستگیری وسیع مهاجران افغان را در سیستان و بلوچستان آن کشور آغاز کرده است و تا اکنون در اطراف این ولایت ۴۹۸ افغان را دستگیر کرده اند و به کمپ "تل سیا" فرستاده تا چند روزی در آنجا توهین و تحقیر گردند. در این میان سرهنگ "طاهری" قومندان امنیه زاهدان گفته است که این برنامه را بناء به دستور مقامات بالائی پیگیری می کنیم و به هیچ مهاجری اجازه بود و باش در این ولایت را نمی دهیم. این وضعیت زمانی بر مهاجران افغان در ایران تنگ و تنگ تر شد که ایران مالک ریگی را دستگیر کرد و او هم جبونانه هرچه داشت اعتراف کرد. در آن وقت در نزدیک مرز تفتان یک حمله انتحاری باعث کشته شدن چند قومندان مشهور سپاه شد که به خاطر جلسه ای به این جا آمده بودند. دولت ایران فعالیت بلوچها را مرتبط با پرورش آنها در افغانستان دانسته و به این خاطر، به آزار و اذیت افغانها پرداخت و آنان را از زاهدان اخراج نمود. چون راه ورود به بخش های دیگر ایران اکثر از زاهدان می گذرد لذا این سیاست برای افغانها مشکلات بسیاری را خلق کرده و حال عملاً این راه بر روی افغانها بسته شده است.

در افغانستان نیز هر روز بیکاری بیشتر شده و خیلی از بیکاران راهی جز اینکه برای لقمه نانی به ایران بروند برای شان وجود ندارد. بسیاری از جوانانی که از ایران بر می گردند، معتاد اند و اعتیاد در میان جوانان افغان چنان شایع شده که حال غیر قابل کنترول به نظر می رسد. تنها در کابل تعداد معتادان از مرز صد هزار گذشته است و با هریکی از آنان وقتی صحبت شود، ایران را لعن و نفرین کرده، می گویند که در ایران به این مرض مبتلا شده اند. علاوه بر کابل و ولایات فقر و بیکاری به اندازه افزایش یافته که در هر قدم دستی بالا می شود و خواهان پولی می شوند که در میان این گداها، صد ها جوان هم دیده می شود. اما چیزی که در آینده گمان رود که وضعیت بهتر شود دیده نمی شود و به این خاطر روز تا روز با تمام مشقاتی که وجود دارد، جوانان افغان روانه ایران می باشند.

معتادان دست به تظاهرات زدند:

روز جمعه تاریخ ۳ دسمبر بیش از ۴۴۰ تن از معتادان در شهر کابل دست به تظاهرات زدند. آنان که پلاکارت هائی به همراه داشتند، از دولت شکایت کرده که به تداوی شان هیچ توجهی ندارد. آنان دولت را متهم می کند که فقط چند تابلت برایشان داده که همان لحظه استعمال آنان را کمی راحت می سازد و بعد از چند ساعت بار دیگر جان دردی شان شروع می شود. این معتادان که مربوط به معتادان زیر پل سوخته بودند از مردم محل شکایت داشتند که با تحقیر با آنان برخورد کرده، در حالیکه آنان مریض اند نه مجرم.

این معتادان که به هر شکلی باید روزانه برایشان حد اقل تا صد افغانی پیدا کنند، باید برای پیدا کردن این پول به هر کاری دست بزنند که عمده ترین کارهای آنان دزدی و گدائی است. چون مردم اطراف پل سوخته از کار های این معتادان دچار مشکل اند و هرگز نمی توانند، درب منازل شان را باز بگذارند، لذا چند شب قبل از تظاهرات معتادان مردم محل بر این معتادان حمله کرده تمام آنان را از این جا بیرون راندند، اما معتادان فردای آن دوباره به این جا برگشتند. در زمستان گذشته که ۲۰ تن از این معتادان در زیر این پل جمع شده بودند و نیمه شب ناگهانی سیل آمد و همه را برد، هیچکسی به دنبال آن نگشت، چون بسیاری از خانواده ها در کابل خجالت می کشند که از وابستگی معتاد شان نامی ببرند. اما اینکه این دولت فاسد و پوشالی به این همه معتاد چه کاری کرده می تواند برای همه معلوم

است، چون این دولت نه صلاحیتی دارد و نه عزم و اراده ای برای این کار، پس چنین تظاهراتی به حال شان هیچ کمکی کرده نمی تواند.

احمد ضیا مسعود و دزدی ۵۲ میلیون دالر:

اخیراً پورتال "افغانستان آزاد- آزادافغانستان" به استناد سایت ویکی لیکس سندی را افشاء نمود که احمد ضیاء مسعود وقتی معاون رئیس جمهور بود، مبلغ ۵۲ میلیون دالر را در بکسی به دویی انتقال داد. اینکه این پول ها را احمدضیاء به چه کاری به دویی برده است، چیزی ننوشته است. اما خود وی بعداً طی یک جلسه اعلان کرد که این کار را نکرده است و از کرزی خواست تا به خاړنوالی هدایت بدهد که این مسأله را پی گیری کند. با تمام چنین کنفرانس هائی باز هم مردم باور دارند که او این همه پول را دزدیده است، چرا که دلیلی وجود ندارد که این کار نشده باشد.

وقتی احمد ولی مسعود به سفیر مادام العمر انگلیس مبدل شده بود، با اینکه پول های بسیاری را زد، چیزی حدود شش میلیون دالر را بعد از آنکه وزارت خارجه رد یابی نمود و فکر کرد که بسیار برایش تاوان می کند، آورد و به حساب این وزارت تحویل داد. درین روز ها اتهامات و رد اتهامات بر برخی ها زیاد شده است. تلویزیون طلوع چند روز قبل کاغذی را نشان داد که میان کرزی و قانونی بر سر ریاست پارلمان توافقی صورت گرفته که در آن قانونی در برابر وزرای پیشنهادی کرزی نمی ایستد، در برابر کرزی از ریاست پارلمان او حمایت می کند و در ضمن یکی از اعضای حزب او که "افغانستان نوین" نام دارد را به وزارت معارف و یا تحصیلات عالی بر می گزیند، اما قانونی از طریق طلوع این مسأله را شدیداً رد کرد و اعلان نمود این یک توطئه علیه او می باشد، احمد ضیاء مسعود هم گفت که اسناد ویکی لیکس توطئه ای علیه او میباشد. اینکه در اسناد ویکی لیکس آمده است که سه تن عالمی بلخی، احمد جبرائیلی و محمد اکبری از جاسوسان ایران اند که درین سال ها ایران برای اینان پول می داده تا به نفع ایران کار بکنند، اینان هم بر طبق معمول این مسأله را رد کردند و اگر از اینان پرسیده شود که در صورتی شما این همه پول را از ایران و یا هر جای دیگر نمی گیرید پس این همه مصارف را از کجا پوره می کنید، مطمئناً جوابی ندارند.

تسلیمی طالبان:

درین روز ها که به اصطلاح مشی مصالحه با طالبان در جریان است، ریاست شورای عالی صلح که مجموعه ای از جنایتکاران بد نام جهادی اند، اعلان نموده که از زمان ایجاد این شورا تا حال بیش از ۳۰۰ تن از افراد طالبان به این پروسه پیوسته اند. در روز ۶ دسمبر یک گروه هفت نفری در ولسوالی امام صاحب ولایت کندز به قومندانی ملا عبدالعزیز به این جریان پیوست و روز بعد یعنی ۷ دسمبر ده تن دیگر به قومندانی ملا نبی در همین ولسوالی به نیرو های دولتی پیوستند. این دو گروپ جمله ۱۴ میل سلاح را تسلیم نیرو های دولتی کردند. اما اینکه چقدر این افراد به طرفداری طالبان فعال بوده، شک های زیادی وجود دارد، چون جاپان و المان برای پیشرفت این پروسه پول های کلانی در اختیار این شورا قرار می دهند و این شورا مقدار زیادی از این پول ها را به جیب خود می زنند و قسمتی را به طالبان تسلیم شده می پردازند، پس هرکس گروپی می سازد و از این پول ها به دست می آورد. زمانیکه مجددی رئیس این کمیسیون بود، در ظرف دو سال اعلان کرد که هشت هزار طالب به این پروسه پیوسته است، در حالیکه عملاً یک طالب نیز شامل این جریان نشده بود. این افراد به نام طالب می آیند و مقداری پول می

گیرند و دوباره پی کار شان میروند. حتی خود طالبان نیز برای به دست آوردن این امکانات سرگروپ های شان را می فرستند و بعد از چند روز وقتی پول و امکانات دیگری به دست آوردند، دوباره به همان سنگر های شان بر می گردند و مقداری از این پول به جیب افراد و اعضای کمیسیون ریخته می شود.

یک زن تیر باران شد:

یک زن که دارای چهار فرزند بود شام چهارشنبه ، تاریخ ۸ دسمبر به جرم داشتن روابط بد اخلاقی در منطقه چغتای ولسوالی خواجه غار ولایت تخار توسط طالبان تیر باران شد. این زن که زرمینه نام داشت و در بطنش هم طفلی داشت به دستور طالبان تیر باران گردید. این عمل را ولسوال و آمرجنایی این ولسوالی نیز تأیید کرده اند. طالبان در هر جایی که حاکم باشند، اولین مخالفت آنان با زنان است، چون آنان زن را موجود ضعیف و بی اراده می دانند، به مجردیکه کوچکترین اتهامی در مورد زنی زده شود، آن را باور کرده و بی آنکه به دنبال فکت، سند و شواهد بگردند، فوراً زن را سنگسار و یا تیر باران می کنند و از این کار شان نه تنها شرم و ابائی ندارند که انجام آن را جزئی از وظایف خود دانسته و برای شان معنای عملی نمودن شریعت فقط همین برخورد با زنان می باشد. چون آنان معتقد اند که زنانی که در شهر ها و زیر اداره دولت به سر می برند، همه بد اخلاق می باشند.

مثلی که کرزی را محاصره کرده است:

با اینکه همه در افغانستان می دانند که کرزی به پست ترین شکلی اکنون در کنار اشغالگران امریکائی در مشت حزب اسلامی گلبدین هم قرار دارد، اینک ویکی لیکس بیشتر آن را افشاء می کند. سه نفر از افراد خاص کرزی که شامل کریم خرم، داوودزی و فاروق وردک می باشند، کرزی را در محاصره و انحصار خاص خود دارند. این افراد که از سرسپردگان حزب اسلامی گلبدین اند، به عنوان مشاوران و دهان اصلی کرزی کار می کنند. عمر داوود زی که علاوه به جاسوسی مستقیم به ایران با "آی اس آی" و حزب اسلامی نیز در ارتباط است، تمام دید و باز دید های کرزی را کنترل کرده به هرکسی دلش نخواهد او را اجازه ملاقات با کرزی نمی دهد. بسیاری از وزیران و معینان به سفارت امریکا شکایت کرده اند که کرزی در دستان داوود زی اسیر می باشد. داوود زی همان کسی است که در ماه فیروزی چندین بسته پول یورو را حین سفری با کرزی به ایران و در برگشت در طیاره از فداحسین مالکی سفیر ایران در کابل دریافت نمود و بعد کرزی به آن اعتراف کرد. علاوه به اینکه خرم، داوود زی و فاروق وردک در دولت کرزی نقش اصلی را داشته و چشم و گوش کرزی شده اند، دوتن از جنایتکاران سابقه حزب اسلامی، وحید الله سباوون و هادی ارغندیوال نیز نزد کرزی بسیار محترم می باشند. سباوون وزیر مشاور نظامی کرزی و هادی ارغندیوال وزیر اقتصاد کرزی در کابینه او میباشند.

سفر های دیپلماتیک و تغییر مسیر دادن جنگ:

در این هفته افغانستان محل رفت و آمد های یکباره مقامات مهم برخی از کشور ها شد، ابتداء طی یک سفر چهار ساعته، بارک اوباما رئیس جمهور امریکا از امریکا به میدان هوائی بگرام رسید و بدون اینکه با کرزی حداقل دیداری داشته باشد، دوباره به امریکا رفت. از سوی دولت علت ندیدن اوباما با کرزی بدی هوا عنوان شد. اما چون اوباما کرزی را به اندازه پشقلی ارزش نمی دهد ، لذا چنین ضرورتی ندید و فقط با او تلفونی صحبت کرد. سفر اوباما به دنبال کنفران لیسبون صورت می گیرد که امریکا ده سال آینده را به عنوان دهه استقرار قرار داده و حال

اردوی امریکا برای این طرح آمادگی می‌گیرد. او باما در این مورد از نزدیک با جنرالانش دیدار کرد و اصل مسأله را به آنها فهماند. بعد از آن یوسف رضا گیلانی صدر اعظم پاکستان برای دو روز به کابل آمد و در حالیکه هیچ حرف نوی نداشت، به چند خوش و بش دیپلماتیک توجه کرد او با ربانی مزدور قبلی پاکستان و تاجران افغان نیز دیدار کرد و با کرزی کنفرانس مطبوعاتی مشترکی گذاشت. بعد از آن دیوید کامروین صدراعظم انگلیس ابتداء به هلمند رفت و با افسران و سربازان انگلیسی دیدار کرد و در برگشت به کابل آمد و با کرزی کنفرانس مطبوعاتی مشترک ماند و بعد رابرت گیتس وزیر دفاع امریکا به کابل آمد و با کرزی دیدار و کنفرانس مطبوعاتی گذاشت و در پایگاه سربازان امریکائی در کنر حاضر شد. گیتس به سربازان امریکائی در کنر گفت که به زودی وضعیت جنگ تغییر می‌خورد. فشار نیرو های امریکائی و ناتو در این اواخر بر طالبان افزایش یافته که منجر به کشته شدن، ۳۰۰ قومندان طالب و ۱۰۰ قومندان گروه حقانی شده است.

بعد از برگزاری کنفرانس لندن و چند ماه قبل از آن یکباره تبلیغات امریکائی ها فرق کرد و همه اعلان کردند که طالبان در میدان نبرد ضعیف شده و دیگر توان رویارویی با نیرو های ناتو و امریکا را ندارند. زیرا امریکائی ها تمام ۱۲۰ هزار نیروی تعیین شده ای خود را به افغانستان آوردند و دیگر این تبلیغات لازم نبود. از سوی دیگر تصمیم دارند که آرام آرام امنیت را به نیروهای دولت پوشالی بسپارند و خود برای تشکیل پایگاه ها و کار های مهمتر از آن اقدام کنند. زیرا ده سال گذشته دهه گذار و ده سال آینده دهه استقرار خواهد بود. به این خاطر رابرت گیتس یکباره از شکست طالبان و ایجاد وضعیت جدید در افغانستان سخن می‌گوید.